

## ذره بین

## جنگ تجاری ۲۰۲۵ ترامپ

با آمدن ترامپ و افزایش مورد انتظار در عوارض واردات آمریکا، تعدادی از کشورهای بزرگ اتحادیه اروپا به نمایندگی از آلمان، ایتالیا و ایرلند ممکن است بیشترین ضرر اقتصادی را متحمل شوند. کارشناسان در چنین شرایطی احتمال می دهند سال ۲۰۲۵ با سرد شدن روابط بین آمریکا و اروپا آغاز شود. البته ترامپ سال هاست که از موضوع تعرفه های وارداتی در مبارزات انتخاباتی و شعارهای ریاست جمهوری خود استفاده کرده و حتی در اولین دوره ریاست جمهوری خود، اتحادیه اروپا را به نوعی «فتار ظالمانه» با آمریکا در زمینه تجارت متهم کرد. به گفته ژان کلود یونکر، رئیس کمیسیون اروپایی، ترامپ در اوایل ژوئن ۲۰۱۸ در نشست گروه ۷ به او گفت: «ژان کلود، تو یک قاتل وحشی هستی.»

## تاکید بر تراز تجاری و سیاست

این جمله ترامپ در نتیجه آماری است که نشان می دهد تراز کشورهای اتحادیه اروپا در تجارت آمریکا مثبت است. اروپا بیشتر از واردات کالا از آمریکا به این کشور کالا صادر می کند. براساس دفتر آمار اتحادیه اروپا، در سال ۲۰۲۳، کشورهای اتحادیه اروپا در مجموع ۵۰۲ میلیارد یورو کالا به آمریکا صادر کرده اند، در حالی که حجم واردات آمریکا به اروپا بالغ بر ۳۴۴ میلیارد یورو بوده است. بنابراین آمریکا یک بازار کلیدی برای کالاهای اروپایی است و سهم کل صادرات به کشورهای اتحادیه اروپا ۱۹٫۷ درصد است.

## تبدیل خودروهای آلمانی به آمریکایی

ترامپ گفته کشورهای اروپایی به خاطر این که خرید کافی از کالاهای آمریکایی ندارند باید «بهای گزافی» بپردازند. او همچنین تهدید کرد با افزایش تعرفه ها «خودروهای آلمانی آمریکایی خواهند شد.» کشورهایی مانند آلمان، ایتالیا و ایرلند آسیب پذیرترین کشورها در برابر تهدیدات ترامپ هستند چرا که آنها بیشترین مازاد تجاری را با آمریکا دارند. براساس تخمین های دانشکده اقتصاد لندن، اگر تعرفه های واردات ۱۰ درصدی توسط آمریکا اعمال شود، می تواند تأثیر منفی بر تولید ناخالص داخلی آلمان به میزان ۰٫۲۳ - داشته باشد. شرکت بیمه آلیناز، تأثیر منفی تعرفه های ترامپ بر آلمان در سال های ۲۰۲۶ - ۲۰۲۵ را بسته به شدت دیگری تجاری بین ۲۴/۵ تا ۲۴ میلیارد دلار تخمین زده است.

## تفاوت در ضرر اقتصادی

میزان زیان های اقتصادی بالقوه برای سایر کشورهای اروپایی نیز به طور قابل توجهی متفاوت است. در سال ۲۰۲۳ برای ایتالیا که از نظر حجم صادرات به آمریکا در رتبه دوم قرار داشت، سهم بازار آمریکا تنها پس از آلمان (۱۷٫۹ درصد) در رتبه دوم قرار داشت و حدود ۱۰٫۷ درصد از کل صادرات را به خود اختصاص داد. بنابراین زیان های اقتصادی آن در سال های ۲۰۲۶ - ۲۰۲۵ می تواند از ۳٫۳ تا ۱۰٫۵ میلیارد دلار متغیر باشد. ضرر و زیان برای اقتصاد ایرلند می تواند از ۲٫۵ میلیارد دلار تا ۱۳٫۲ میلیارد دلار باشد. صادرات ایرلند به آمریکا بسیار بیشتر از آلمان با ایتالیا است. به طور خاص، فرانسه چهارمین حجم صادرات به بازار آمریکا در سال ۲۰۲۳ دارد و دارای حداقل مازاد تجاری در تجارت با آمریکا (۲۳۶ میلیون یورو) است. خطرات اصلی برای اقتصاد فرانسه ممکن است در تلاش ترامپ برای تقویت اقدامات حمایتی در بخش هوانوردی باشد.

## تغییر جهت اقتصادی

تعدادی دیگر از کشورهای اتحادیه اروپا که از نظر حجم صادرات به بازار آمریکا موقعیت های پیشرو اما در عین حال کسری تجاری با آمریکا دارند، ممکن است سعی کنند «معاملات» خود را با دولت جدید متعقد کنند. به ویژه، هلند (۳۴/۶۹ - میلیارد یورو)، اسپانیا (۵۰۷ - میلیارد یورو) و بلژیک (۴۰۲ - میلیارد یورو) بیشتر از صادرات شان به ایالات متحده، کالاهای آمریکایی خریداری می کنند. بنابراین طبق منطق ترامپ، آنها در تلاش برای «بازگرداندن عظمت آمریکا» هستند و ممکن است تلاش کنند تا در رژیم جدید تعرفه، واردات کالاهای خود را به آمریکا کاهش دهند.

## سناریوی افزایش تدریجی وظایف

علاوه بر ظرایف مشخص در ترازهای تجاری و اهمیت صادرات آمریکا برای کشورهای مختلف، در وعده ها و تهدیدهای ترامپ در خصوص افزایش تعرفه ها، جزئیات خاصی نزدیک می شود. یکی از عوامل احتمالی در این وضعیت می تواند سرعت تشدید تجارت در آینده باشد. این احتمال وجود دارد که تعرفه های اعلام شده ۱۰ درصد یا حتی ۲۰ درصد بر همه کالاهای وارداتی، به نوعی مرزهایی باشد که دولت ترامپ در داخل آن با کشورهای اتحادیه اروپا «معامله» خواهد کرد. برخی از تحلیلگران عقیده دارند که افزایش تعرفه ها می تواند به صورت مرحله ای انجام شود و تهدید به افزایش تعرفه های جدید برای ترغیب کشورهای اروپایی به فعال تر شدن عظمت دوباره آمریکا است.

در مرحله اول این استراتژی، ترامپ می تواند ابتدا تعرفه ها ۵ درصد بر تمام کالاهای وارداتی به آمریکا افزایش دهد، در چنین سناریویی، حداقل افزایش تعرفه های واردات از ۲/۵ تا ۲/۷ درصد به ۵ درصد خواهد بود ولی افزایش آن تداوم خواهد داشت. طبق برآوردهای آلیناز، با افزایش تعرفه واردات در آمریکا برای همه محصولات از ۲/۷ تا ۲/۵ درصد به ۵ درصد و همچنین افزایش عوارض برای چین از ۱۳ درصد به ۲۵ درصد، کل ضررهای اقتصادی در تجارت جهانی را برآورد می کند. این یک سناریوی «جنگ تجاری محدود» در سال های ۲۰۲۶ - ۲۰۲۵ خواهد بود.



متن کامل

## خبر

چین ادعاهای اخیر اروپا مبنی بر همکاری با روسیه در تولید پهپادهای نظامی را رد و تأکید کرد هیچ گاه تسلیحات مرگبار به طرفین دیگر در هیچ مناقشه ای ارائه نکرده است. به گزارش تسنیم، اتحادیه اروپا طی روزهای اخیر اعلام کرده شواهدی قطعی مبنی بر این که پهپادهای مسلح تولید شده در شین جیانگ چین برای استفاده روسیه ارسال شده اند، در اختیار دارد. اتحادیه اروپا از چین خواسته تا

پاسخ چین  
به اتهام زنی غرب

در این باره توضیح دهد. در واکنش به این اتهامات، لین جیان، سخنگوی وزارت خارجه چین، در کنفرانس خبری این وزارتخانه تأکید کرد: چین در صادرات محصولات نظامی همواره رویکردی محتاطانه و مسئولانه داشته است. وی تصریح کرد، چین هرگز تسلیحات مرگبار به طرفین دیگر در هیچ مناقشه ای ارائه نکرده و همواره کنترل دقیقی بر صادرات پهپادهای نظامی و دوگانه

## فرجام نقشه رژیم اشغالگر قدس علیه فلسطینیان چه خواهد بود؟

## قمار صهیونیست ها در کرانه باختری

محمدهلزارده  
گروه بین الملل

اراضی اشغالی بوده است.



در تحلیل اظهارات اخیر اسموتریچ، نکات و مؤلفه هایی وجود دارد که نمی توان به سادگی از کنار آنها گذشت. نخست این که طرح اشغال کرانه باختری، معطوف به جنگ غزه و لبنان و منبعث از تحولات میدانی و فرامتنی یک سال اخیر نبوده و خروجی یک نقشه بلندمدت در عرصه سیاست خارجی تل آویو بوده است. فراموش نکنیم حدود دو سال قبل، اسموتریچ نقشه ای را در یک کنفرانس

خبری در پشت سر خود قرار داد که در آن، کرانه باختری، نوار غزه و حتی قسمتی از خاک اردن به اراضی اشغالی الحاق شده بود. پس از شکل گیری کابینه ائتلافی نتانیاوو، نخست وزیر رژیم اشغالگر قدس به همراه اسموتریچ و بن گویر اوزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی) درصدد پیاده سازی این نقشه راه برآمدند.

یکی از انتقادات شدیدی که از سوی منتقدان نتانیاوو به وی وارد می شود، تمرکزگرایی بیش از حد وی بر نوار غزه و اعمال کاری نسبت به تحولاتی بوده که در نوار غزه جریان داشته است.

## طرحی که جدید نیست

سلسله تحولاتی که طی سال های اخیر در کرانه باختری رخ داده، نشان دهنده تمرکز صهیونیست ها بر این منطقه (به یاد اشغال آن) بوده است. باین حال طرح چنین موضوعی در برهه کنونی این

شائبه را بر ذهن برخی مخاطبان جاری می سازد که مصدر چنین وقاحتی، تحولات جاری در منطقه بوده است! این فرضیه به صورت مطلق نادرست است. خصوصاً این که در اتاق جنگ تل آویو، تحولات میدانی غزه و لبنان طبق فرمول عملیاتی و محاسباتی تعیین شده پس از وقوع عملیات طوفان الاقصی پیش نرفته و نتانیاوو به هیچ یک از اهداف سگانه اصلی خود در غزه از جمله بازگشت اسرای صهیونیست، اشغال کامل نوار غزه و نابودی حماس دست نیافته است.

## منازعات پایدار در تل آویو

از سوی دیگر، اصل طرح چنین موضوعی ناظر بر بحران های داخلی در اراضی اشغالی، خصوصاً منازعات پایدار در کابینه نتانیاوو است. اسموتریچ با طرح این مسأله، تلاش کرده تا به صورت غیرمستقیم مدعی شود انحرافی بر اهداف میدانی و

راهبردی کابینه جنگ در میدان نبرد ایجاد نشده و حتی کابینه نتانیاوو به هدف گذاری های بعدی در مدار جنگ غزه مشغول است! این سیگنال در حالی از سوی وزیر دارایی متوحش رژیم اشغالگر قدس مخایره می شود که حتی نزدیک ترین افراد به نتانیاوو نیز شدیداً نگران سقوط کابینه ائتلافی به دنبال ناتوانی در میدان جنگ، افشاگری های امنیتی اخیر در دفتر نخست وزیر رژیم صهیونیستی و اختلافات مثلث ارتش، موساد و کابینه بر سر نحوه استمرار جنگ هستند. بنابراین، در تحلیل مواضع اسموتریچ باید مصرف داخلی آن در معادلات سیاسی آشفته حاکم بر تل آویو نیز مورد توجه قرار گیرد.

## عواقب یک حماقت آشکار

نکته بعدی، مربوط به عواقب و تبعات چنین اقدامی (در صورت وقوع) بازمی گردد. از آغاز طرح معامله قرن میان صهیونیست ها و اعراب در سال ۲۰۲۰ میلادی،

(نظامی - غیرنظامی) اعمال کرده است. ما از کشورهای دیگر و مقامات مسئول می خواهیم که بدون شواهد واقعی به گمانه زنی، تهمت زنی و تخریب وجهه چین نپردازند. اگرچه مشخص نیست که آیا این فعالیت ها با مجوز دولت مرکزی چین صورت می گیرد یا خیر اما منابع دیپلماتیک اروپایی گفته اند که انجام چنین فعالیت هایی بدون تأیید دولت مرکزی بسیار دشوار است.

## برش



## واکنش های ویرانگر

## علیه دشمن صهیونیستی

از آن گذشته، بسیاری از استراتژیست های غربی و صهیونیستی معتقدند چنین اقداماتی منتج به بروز واکنش های ویرانگر و غافلگیرکننده علیه تل آویو خواهد شد، تا جایی که می تواند بخشی از عملیات انتقامی گروه های نظامی طرفدار مقاومت در کرانه باختری را به داخل اراضی اشغالی و حتی پایتخت این رژیم (تل آویو) تسری دهد. پیش فرض مضحکانه اسموتریچ و همراهانش مبنی بر این که الحاق تدریجی کرانه باختری به اراضی اشغالی از پیامدهای سلبی آن می کاهد نیز صرفاً یک توهم است.

ایجاد حکومت نظامی صهیونیست ها در کرانه باختری، به معنای افزایش تصاعدی هزینه های امنیتی، اقتصادی و بین المللی علیه تل آویو بوده و توان نظامی حداقلی و تضعیف شده صهیونیست ها در جریان جنگ های ۱۴ ماهه اخیر را بیش از پیش به چالش خواهد کشید.

در این میان، اردن و مصر نیز به طور طبیعی بسیاری از مناسبات امنیتی پشت پرده و آشکار خود با تل آویو را قطع خواهند کرد.

۲۲ کانون غیرقانونی شهرک سازی در کرانه باختری ایجاد شده است.

این درحالی است که حتی دولت جدید آمریکا نسبت به استمرار این روند و پرداخت هزینه های حمایت از تل آویو در اشغال مطلق کرانه باختری ابراز تردید کرده است.

حتی ترامپ و اطرافیانش نیز به وضوح آگاه هستند که نبرد چندوجهی صهیونیست ها در تقابل همزمان با لبنان، غزه و کرانه باختری نه تنها منتج به تحقق اهداف تل آویو در این مناطق مهم نمی شود، بلکه هزینه های جنگ و تبعات سلبی و سخت حمایت از رژیم صهیونیستی را شدیداً علیه زوج واشنگتن - تل آویو افزایش خواهد داد.

فراتر از آن، چنین موضوعی می تواند در روند پیشبرد اهداف اعلامی دولت ترامپ مبنی بر انعقاد پیمان های عادی سازی روابط کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی خلل ایجاد کند.

ایالات متحده خوشحال است که متحد استراتژیک خود را به جنگ تشویق کند.» به عقیده او، در دولت جدید ترامپ نیز تغییر چندانی در این زمینه حاصل نخواهد شد. درعین حال، ترامپ احتمالاً برای راضی نگه داشتن دوستان خود در اسرائیل و کشورهای حاشیه خلیج فارس با چالش های بیشتری

روبه رو خواهد شد، به ویژه که رهبران عرب و ترکیه مواضع عمومی خود را از زمان انتخابات آمریکا به وضوح بیان کرده اند. محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، عملیات نظامی اسرائیل در غزه را «نسل کشی دسته جمعی» خواند؛ اصطلاحی که قبلاً از آن اجتناب می کرد. وی همچنین نسبت به هرگونه حمله بیشتر علیه ایران هشدار داد.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهور ترکیه نیز تأکید کرد که کشورش تمامی روابط خود را با اسرائیل قطع کرده است. این اقدامات نشان دهنده سیگنال های روشنی از سوی رهبران نزدیک به ترامپ است که نشان می دهد حاضر نیستند بخشی از سیاست های حداکثری اسرائیل باشند.

## وقتی نمی توان همه چیز را داشت!

بنابراین دورنمای تنش زدایی در خاورمیانه که پس از اعلام معامله قرن و آغاز توافق ابراهیم متوقف شده بود بسیار کم رنگ و امید صهیونیست ها به عادی سازی روابط با کشورهای

چون امارات، بحرین و عربستان سعودی اندک است. توافق نامه ابراهیم، داستانی است که به پایان خود رسیده، حتی بعد از آمدن ترامپ. اهداف نتانیاوو در مورد معامله قرن و عادی سازی روابط با برخی از کشورهای عربی محقق نمی شود و

## برش



## نام گذاری جدید و انتخاب پیش رو

قرار است در ژانویه ۲۰۲۵ «معامله قرن» به مدت پنج سال تمدید شود و به احتمال زیاد تحت عنوان جدید «صلح برای رفاه: چشماندازی برای بهبود زندگی فلسطینی ها و اسرائیلی ها» با ابتکار آمریکایی ها در دولت ترامپ معرفی شود.

باین حال، تحلیلگران عقیده دارند که این تغییرات تأثیری در وضعیت نخواهند داشت، چراکه مشکل اصلی همچنان عدم

درگیری ها در سرزمین های اشغالی ادامه دارد. جفری فلتمن، از کارشناسان آمریکایی «اندیشکده بروکینگز» می نویسد: «محمد بن سلمان ولیعهد عربستان، محمد بن زاید رئیس امارات و شیخ تمیم بن حمد آل ثانی امیر قطر هر سه مقدار زیادی ثروت و قدرت

کنترل نشده دارند که برای دونالد ترامپ جذابیت دارد.» وی افزود: «دولت ترامپ ممکن است دوباره بخواهد پیمان ابراهیم را پیگیری کند و عربستان را نیز به این توافق بپیفزاید.

هرچند ویرانی به جامانده از جنگ غزه و لبنان و همچنین فشار افکار عمومی، این موضوع را پیچیده خواهد کرد. به طور کلی، کشورهای عربی با یکدیگر رقابت زیادی دارند و در برخی موارد حمایت آنان از گروه های خارجی متفاوت است؛ بنابراین، هر کشوری که بهترین معاملات تجاری را به ترامپ ارائه دهد، تسلیحات بیشتری خریداری کند، چاپلوسی بیشتری کند و سرمایه گذاری های بیشتری در آمریکا انجام دهد، ممکن است روابط نزدیک تری با واشنگتن برقرار کند.» شاید عربستان سعودی در نهایت با ترامپ در مورد اسرائیل به تعامل بپردازد. اکنون تمرکز اصلی بن سلمان روی ثباتی است که برای برنامه

چشم انداز ۲۰۳۰ خود، به منظور تنوع بخشی به اقتصاد عربستان و ایجاد فرصت های شغلی نیاز دارد و توجه چندانی به این مساله نشان نمی دهد. کارشناسان منطقه ای تأکید دارند که بی عدالتی تاریخی علیه مردم فلسطین باید اصلاح شود، در غیر این صورت، خشونت ها ادامه خواهد داشت و درگیری در این منطقه دائمی خواهد بود.

وجود راه حلی واقعی برای مساله فلسطین است. پیشنهاد موجود از سوی تل آویو به ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی با همزیستی مسالمت آمیز با اسرائیل اشاره دارد. تا زمانی که این حال محقق نشود، دور باطل خشونت ادامه خواهد داشت. ترامپ ممکن است دوباره بتواند همه متحدان عرب خود را با نوعی معامله ترانژیک که در مورد توافق ابراهیم موفقیت آمیز بود، جمع کند. اما اگر چنین باشد، نتانیاوو دوباره نمی تواند همه چیز را داشته باشد؛ یا الحاق و اشغال سرزمین های فلسطینی یا با غم یا جهان عرب.